



نقد و بررسی «فلسفه ملال»

نشست هفتگی شهر کتاب روز سه‌شنبه، ۱۶ بهمن ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «فلسفه ملال» اختصاص دارد. کتاب «فلسفه ملال» نوشته لارس استونسن «رافشین خاکباز ترجمه و انتشارات فرهنگ‌نشر نوآن را منتشر کرده است. این نشست با حضور حسین شیخ‌رضایی، علی خدادادی شاهی‌وندو افشین خاکباز در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصاب (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار خواهد شد.



می‌توان از اسطوره به حقیقت رسید

غلامحسین ابراهیمی دینانی در تاریخ فلسفه دو واژه است که در یونان باستان وجود داشته؛ لوگوس و میتوس. اسطوره و حقیقت؛ تنازع بین اسطوره و حقیقت. انسان اسطوره‌پسند است. رمان صورت افسانه‌ای پسند دارد، اما این اسطوره حقیقت را القا می‌کند. از اسطوره می‌توان به حقیقت رسید. هر اسطوره یک حقیقت در درون دارد و هر حقیقتی را می‌توان به زبان اسطوره بیان کرد.



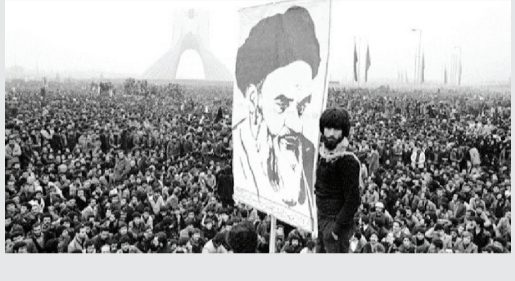
بزرگداشت آیت‌الله جوادی آملی

مراسم بزرگداشت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی روز چهارشنبه، ۱۷ بهمن ماه در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می‌شود. در این مراسم که از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷ برگزار خواهد شد، حسن بلخاری، مهدی محقق، علیرضا اعزافی، حمید پارسانیا و علی لاریجانی سخنرانی خواهند کرد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در خیابان ولیعصر (عج)، پل امیربهرادر، خیابان سرلشکر بشیری، پلاک ۷۱ واقع است.



خوانش اجتماعی انقلاب اسلامی در ۴۰ سالگی

همایش یک‌روزه «خوانش اجتماعی انقلاب اسلامی در ۴۰ سالگی» سه‌شنبه، ۱۶ بهمن ماه از ساعت ۸ تا ۲۰ در تالار گفت‌وگوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. در این همایش موضوعاتی چون نظریه‌های اجتماعی انقلاب اسلامی، روایت جامعه‌شناسانه نسل انقلاب از انقلاب و دانشگاه توسط حمید پارسانیا، حسین کچوییان، ابراهیم فیاض، حمیدرضا جلالی‌پور، ناصر فکوهی، قاسم‌زائری و... ارائه خواهد شد.



ادامه از صفحه یک

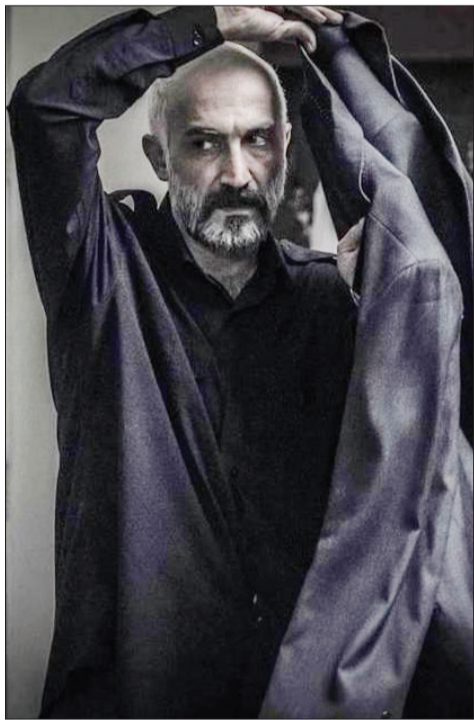
واضح است که چنین فهمی از سیاست جدید، فارغ از خوبی یا بدی آن، حتی در مقام تشخیص سیاست‌های دیگر کشورها» هم در میان سیاستمداران ما جاری نیست. پس این فهم مهدویان از سیاست، نسبتی وثیق با ایرانیان و سیاست‌های آنان برقرار نمی‌کند؛ اما مهم‌ترین نکته در لاتاری اینها نبود. لاتاری از آن جهت یک نقطه عطف محسوب می‌شود که «رای شخصی» و «تشخیص شخصی» بدون هرگونه رجوع به مبانی متعالی را ملاک عمل قرار می‌دهد؛ آن هم در مساله‌ای که مشخص نیست قصاص و مجازات‌عامیت و معاونت در آن، آیا اعدام نیست یا نه. در یک کلام لاتاری مبتنی بر احساسات عامه، قتل و خشونت را موجه می‌کند و بدتر از آن «رای» و نظر شخصی» را (ملاک داوری و عمل» می‌گیرد و مخاطب را نیز با خود همراه می‌کند و نیز عناصر دیگری هم در فیلمنامه هست که این خودرایی و خودمحوری را برای مخاطب پذیرفتنی‌تر می‌کند. نکته مهم اینجاست که در لاتاری، به‌هیچ‌وجه معنویت و تعالی مطرح نیست و همه چیز با محاسبات مبتنی بر قدرمآبی و رعنائی توجیه می‌شود: «بکشیم تا جرأت نکنند.»

«دیدن این فیلم جرم است»، فیلمی نسبتاً خوش ساخت و جذاب است و بعضی حرف‌ها و مطالبات و تحلیل‌های عموم را هم در دیالوگ‌های پرسوناژها گذاشته است که سبب تخلیه روانی مخاطب می‌شود؛ اما محل بحث حاضر، همچنان «منطق» فیلم» است. در این فیلم گرچه خودرایی و خودمحوری هست ولی اینها، مطلب اصلی فیلم نیست. مساله اصلی و اساسی اولا این است که نه کاظم آژانس، نه موسای لاتاری و نه سیدامیر موسوی (با بازی مهدی زمین‌پرداز) در «دیدن این فیلم...» هیچ کدام از وضع روزمره و عادی خارج نمی‌شوند ولی تظاهر به آرمان‌گرایی می‌کنند. کاظم در آژانس، برکنار از آرمان مشغول کار خود بود و حتی پس از برخوردن به عباس هم از عادات روزمره و از وضع بی‌آرمانی خود آگاه نمی‌شود. برخورد با عباس منجر به هیچ بیداری یا آرمان‌گرایی‌ای نشد. کاظم آژانس موردی برایش پیش آمده بود که توقع حل همان را داشت. او حتی هیچ اتوپیایی هم نشان مخاطب نمی‌دهد. صرفاً هدفش حفظ «جان عباس» است. بیداری موسای لاتاری یا کاظم آژانس، بیداری از خواب روزمرگی و چشم‌باز کردن به آرمان نیست، بلکه صرفاً برخوردی موردی است در همان زمین‌روزمرگی؛ در وضع روزمره کارها گاهی با قانون پیش می‌رود، گاهی با قلدرمآبی، تخلف از قانون یا زیرپا گذاشتن آن.

در این هرسه، علم و عمل، همچنان مبتنی بر «فهم عادی و روزمره» و ملاک‌های عمل عادی و روزمره است. این «عادی بودن» و تبعیت از عادات، با «آرمان» تضاد دارد. آرمان مستلزم برهم‌زدن «اساس وضع روزمره» است. «غرض» را با «آرمان» نباید خلط کرد. در هر کاری غرضی هست و در وضع روزمره هم «کاری بدون غرض» از آدم عاقل سرنمی‌زند. امیر در «دیدن این فیلم...» غرضش شکستن شاخ تبعه انگلیس است نه «آرمان وضع و عالمی دیگر». غرض دارد ولی این غرض با آرمان نسبتی ندارد. جالب‌تر این است که امیر در «دیدن این

درباره «دیدن این فیلم جرم است» که نقاط ضعف «آژانس شیشه‌ای» و «لاتاری» را دارد ولی نقاط قوت‌شان را نه!

بی‌آرمانی جرم است



موتور؟ اسلحه کشیدن روی نیروهایی که ابداً خبری از ماجرا ندارند، برای چیست؟ بگذریم. فیلم با این مسائل سروکاری ندارد. «دیدن این فیلم...» اصلاً به منطقی و مینا کاری ندارد و صرفاً نحوی اعتراض است؛ اما اعتراض به چه چیز؟ به محافظه کاری، به بی‌حیثیتی یا به عبارتی به بی‌غیرتی مسئولان. اما این تمام ماجرا نیست و نباید در مواجهه با فیلمی از این دست، ساده‌انگار بود. این فیلم به‌خوبی دیده می‌شود و غالب مردم هم با آن رابطه برقرار می‌کنند و مخاطبانش محدود به «بسیجیان ناراضی از بی‌حیثیتی سیاسیون» نخواهد ماند. چرا؟ چون دیالوگ‌هایی تند خطاب به تیپ مسئولان دارد؟ خیر! چون فیلم روی گسست مبنایی تری واقع شده که حتی کارگردان، نویسندگان هم ملتفت آن نبوده است. کدام گسست؟ گسست میان وضع «قلبی» و معنوی» با وضع «قالبی» و قانونی». از مباحث رایج در فلسفه حقوق این است که چه ضمانتی وجود دارد که افراد، قانون را محترم شمرده و مراعاتش کنند؟ یکی از ضمانت‌ها البته «مجازات» است ولی چنانکه غالب افراد می‌دانند، دور زدن قانون برای اهل دور زدن، چندان هم دشوار نیست. از جرح برنارد شاو نقل شده که طفل صغیری که پدری وکیل داشت از پدر می‌پرسد سیاهی‌های کتاب قانون

اسلحه. فیلم مطابق کدام معیار چنین پاسخی می‌دهد؟ وقتی موضوع این باشد که: بی‌قانونی حرمت ما را می‌شکند، راه کدام است و ملاک چیست؟ راه اسلحه است. راد (با بازی حسین پاکدل) به امیر می‌گوید: «امشب خیلی چیزها به بند اسلحه گره خورده است. در ابتدا فیلم نیز امیر می‌پرسد: وقتی در فرآیند قانونی مقابل گردن کلفت‌ها له می‌شویم، راه چیست؟» و چون پاسخی دریافت نمی‌کند، اسلحه را مجدداً به دست می‌گیرد و می‌گوید تا پاسخی جدی، راهش اسلحه است. در صحنه دیگری در پایان فیلم که نیروهای ویژه در حال حمله به پایگاه هستند، امیر می‌گوید: «اولین گلوله را ما شلیک نمی‌کنیم» و وقتی از او می‌پرسند که «اصلاً می‌خواهیم بزنیم؟» پاسخی می‌دهد که مجبور نیستید که بمانید. راه کدام است و ملاک چیست؟ پاسخ پروتا گونیسست فیلم تا آخر، همچنان اسلحه است! حتی بعد از تغییر نظرگاه امیر و گذشتن از سر حق شخصی، باز امیر برای حفظ شأن کشور، دست به اسلحه باقی می‌ماند! آرمان فیلم (اگر سسیلی‌زدن به تبعه انگلیس برای حفظ عزت ملی را آرمان تلقی کنیم) وقتی موضوعیت دارد که شأن کشور اهمیتی داشته باشد. قانون کشور آیا جزء شئون آن نیست؟ کدام یک مهم‌تر است و در حفظ عزت کشور

فیلم... نه آرمانی دارد و نه حتی «منطق حسابگری» را که لازمه وضع روزمره هست، پیگیری می‌کند: امیر میان حق شخصی و منافع ملی، منافع ملی را که مهم‌تر و بزرگ‌تر هستند ترجیح می‌دهد اما در میان منافع متکثر ملی، قائل به ترجیح نیست؛ قائل به ترجیح میان «قدری و کشیده‌زدن» با «منافع دیپلماتیک یا اقتصادی» نیست. منطق فیلم که در یک مرحله، حسابگری را در کار می‌آورد و به لحاظ حساس و کتاب، چیزی را بر چیزی ترجیح می‌دهد، چرا میان منافع ملی، قائل به حساب و کتاب و ترجیح مبتنی بر نفع و ضرر نیست؟ البته فیلم در این موضع با نمایش تیپ‌هایی مثل روحانی صاحب‌منصب، کاریکاتوری از این «موقعیت سیاسی» را ترسیم می‌کند، اما حقیقت این است که در سیاست، لازم است مبنایی برای ترجیح داشته باشیم؛ و سیاست اصلاً مستلزم مبنایی است تا این ترجیح‌ها و تعارض‌ها در آن قابل حل باشد وگرنه، سیاست شوخی یا بازی نیست و با نقد یا تخطئه تیپ‌هایی مثل آن روحانی یا افراد امنیتی، ملاک و مبنایی به دست نمی‌آید و «فهمی جدید» و «ترجیحی محکم» پیدا نمی‌شود. «دیدن این فیلم...» از این جهت حتی از لاتاری عقب‌تر است و نه تنها سیاست جدید را نمی‌شناسد، بلکه حتی منطق منسجمی هم ندارد. توصیه فیلم برای مخاطب چیست؟

گفتار روز

معرفی کتاب «ماهیت معرفت عرفانی» اثر برگزیده بیستمین کتاب سال حوزه نگاهی فلسفی به چیستی معرفت عرفانی



مشایی، فلسفه اشراقی، حکمت متعالیه و منابع فلسفه عرفان و فلسفه دین در غرب بوده و سعی شده که از منابع اصیل در این جهت استفاده شود. البته منابع روزآمد هم در اثر این به وفور مورد استفاده قرار گرفته است.

ماهیت معرفت عرفانی

این کتاب بارها حتی قبل از چاپ و در حال حاضر نیز به‌عنوان منبع درس فلسفه عرفان و رشته عرفان مورد تدریس قرار گرفته شده و بازخورد خوبی هم گرفته شده است چون در این کتاب سعی شده نظریات و مکاتب به صورت مناسب ارائه شده و انتهای هر بخش نیز جمع‌بندی خوبی صورت گرفته است. علاوه‌بر مساله ماهیت معرفت به مساله مهم دیگری در فلسفه عرفان در این اثر اشاره شده و در جای جای مباحث مانند ارزش معرفت شناختی معرفت عرفانی به کار رفته است. این کتاب ۶ سال مورد تحقیق قرار گرفته و سعی بنده بر این بوده تا در این کتاب بتوانم با مراجعه به منابع اصیل و بررسی دقیق و توصیف دقیق وزیر آرا و مقایسه‌اش بتوانم ذهن مخاطب را اقیانوس کنم، در جهت اینکه آرا منقول به درستی و به خوبی مورد توصیف قرار گرفته و ایشان را از تحقیقات مکرر ارضا می‌کند. البته هر تحقیقی مفید فایده است ولی نیاز هست تا در برخی موضوعات به گونه‌ای ورود کنیم تا بحث از توصیف نظریات و نقد ابتدایی آنها یک قدم جلوتر رود تا نویسندگان بعدی بتوانند اعتماد به اثر کنند. به نظر همین حیث اثر باعث شد تا این کتاب در چهارمین جشنواره دهخدا ویژه کتب

هیات علمی سراسر کشور شایسته تقدیر گروه فلسفه‌شود. البته قبل از این کتاب «معقول ثانی فلسفی در فلسفه اسلامی» (از موسسه امام خمینی (ره)) در جشنواره «کتاب سال» در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان کاندیدا به مرحله داورى نهایى کتاب سال در بخش برگزیده راه یافته بود اما موفق به کسب عنوان برگزیده در جشنواره نشد. کتاب «ماهیت معرفت عرفانی» مورد بازبینی بسیاری از اساتید قرار گرفته است، از جمله استاد سیددیده‌الله یزدان پناه، استاد احمد عابدی، دکتر محسن جوادی و بزرگان و اساتید دیگر که ایمن اثر را خوانده و نکات و فرموده‌اند. در واقع می‌توان گفت اعتماد ما بر این اثر به خاطر نظرات اساتید بزرگوار است. همچنین بررسی موشکافانه ارزیابان اثر حجج اسلام دکتر قائمی‌نیا و دکتر فضلی که حدود یک سال از لحاظ اصلاحات محتوایی زمان برد و منجر به اضافه شدن حدود ۱۵۰ صفحه به این اثر شد و ساختار چند مرتبه مورد بازبینی قرار گرفته است. در مجموع این اثر حدوداً بیش از ۷ سال زمان برده است و برای کسانی که طالب بحث‌های فلسفه عرفان هستند نقطه ورود بسیار خوبی است چون سعی کرده‌ام کتابتی که در فلسفه عرفان وجود دارد را به‌طور منظم و خیلی جامع بیان کنم و کار تطبیقی هم بین اسلام و غرب انجام داده‌ام و می‌تواند مورد استفاده و بهره‌برداری بسیاری از محققان و دانش‌پژوهان، طلاب و اساتید قرار بگیرد.

حجت الاسلام مسعود اسماعیلی، مدیر و عضو هیات علمی گروه فلسفه پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و یکی از برگزیدگان بیستمین همایش کتاب سال حوزه است که اثر او با نام «ماهیت معرفت عرفانی»، عنوان «اثر برگزیده» این همایش را به خود اختصاص داد؛ این اثر چندی پیش نیز در چهارمین جشنواره کتاب دهخدا به‌عنوان اثر شایسته تقدیر انتخاب شده بود. در ادامه گفتاری از او را درخصوص این اثر خواهید خواند.



این کتاب مهم‌ترین مساله از مسائل فلسفه عرفان است؛ فلسفه عرفان دانشی بینارشته‌ای محسوب می‌شود که با نگاه فلسفی و عقلی به معرفت‌های عرفانی، تجارب عرفانی و علوم دیگری که در بستر معرفت پرورده می‌شوند مانند اخلاق عرفانی می‌پردازد. ماهیت معرفت عرفانی به دنبال سخن، ماهیت و چیستی، شناخت عرفانی را مشخص می‌کند. در این رابطه فلاسفه غربی و عارفان در عرفان نظری و فیلسوفان از همان ابتدا تاکنون نظراتی را ارائه کرده‌اند که کتاب حاضر جامع‌ترین نظریات در غرب و فضای اسلامی است. البته در این اثر علاوه‌بر توصیف نظریات مختلف، نقد و نظر نیز ارائه شده و گاهی برای ارائه یک نظریه نو راه‌حلی هم شده است. بعد از بیان مقدمه در کلیات، مهم‌ترین مباحث بیان معنای